

عرض سلام خدمت آقای شهبازی و سایر دست اندرکاران و بینندگان گنج حضور

در برنامه ۹۹۲ گنج حضور داستان همراهی مسلمان فرد تبدیل شده به حضور با یهودی و مسیحی من‌های ذهنی از مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۳۷۶ روایت شد

در این داستان یهودی و مسیحی نماد من‌های ذهنی و مسلمان نماد فرد تبدیل شده به حضور است در ادامه به معرفی تعدادی از ویژگی‌های مسلمان که در داستان به آنها اشاره شده است می‌پردازم

۱- مسلمان از همانیدن و چسبیدن و شیره کشیدن از همانیدگی‌ها پرهیز کرده بود و به اصطلاح روزه بود. در دایره عدم و همانیدگی، همانیدگی‌ها اینگونه ذکر شده‌اند: هر چیزی که در فکر من می‌گنجد، خودم، همسرم، بقیه اعضای خانواده، پول، همه چیزهای با ارزش من، کار، حرفه‌ها، موقعیت اجتماعی، نقش‌ها، تفریح، دوست، دشمن، درد، باورهای مذهبی، باورهای سیاسی و اجتماعی و شخصی.

تُخْمه بودند آن دو بیگانه ز خور
بود صایم روز آن مؤمن مگر
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۰۲
تُخْمه: نوعی بیماری معده است که بر اثر پُرخوری و عدم رعایت ترتیب در خوردن غذا عارض می‌شود
صایم: روزه‌دار

۲- مسلمان گرسنه و بسیار مشتاق به خوردن حلواي حضور به صورت آنی و فوری در لحظه بود

چون نمازِ شام، آن حلوا رسید
بود مؤمن مانده در جوع شدید
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۰۳
جوع: گرسنگی

۳- مسلمان به قرین‌های بد توجه نکرد و با وجود مخالفت آن‌ها با خوردن حلوا همچنان می‌خواست، فوراً حلواي حضور را بخورد.

آن دو کسب گفتند: ما از خور پُریم
امشیش بنهیم و فردایش خوریم
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۰۴-
صبر گیریم، امشب از خور تن زنیم
بهر فردا لُوت را پنهان کنیم
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۰۵-
لوت: غذا

گفت مؤمن: امشب این خورده شود
صبر را بنهیم تا فردا بود
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۰۶

۴- هنگامی که مسلمان همچنان با مخالفت من‌های ذهنی در خوردن حلواي حضور مواجه شد، خواست خود را از قرین‌های بدش جدا کند.

گفت: ای یاران نه که ما سه تن ایم؟
چون خلاف افتاد، تا قسمت کنیم
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۰۸-

هر که خواهد، قسم خود بر جان زند
هر که خواهد، قسم خود پنهان کند
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۰۹-

۵-مسلمان با مخالفت شدید من‌های ذهنی روبه رو شد؛ و دانست که من‌های ذهنی هرکسی را که بخواهد حل‌وای حضور را بخورد مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند و مزاحمش می‌شوند. اما واکنش نشان نداد و راه تسلیم و رضا و فضاگشایی را در پیش گرفت

قصده‌شان آن‌کان مسلمان غم خورد
شب بر او در بی‌نوایی بگذرد
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۱۴-

بود مغلوب او به تسلیم و رضا
گفت: سَمْعاً طَاعَةً أَصْحَابِنَا
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۱۵-
سَمْعاً طَاعَةً: چشم، اطاعت می‌کنم
أَصْحَاب: یاران

۶-مسلمان در توهم فرو نرفت و به تجربه‌های معنوی ذهنی توجه نکرد. بلکه به سرعت حل‌وای حضور را خورد

خیز، ای پس‌مانده دیده ضرر
باری آن حلوا و یخنی را بخور
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۸۹
یخنی: نوعی غذا شبیه آبگوشت که از گوشت‌های چربی‌دار می‌پختند.
مسلمان از نظر ذهنی سلیم گول، واپس مانده و ساده لوح بود و در سبب‌سازی ذهن گیر نیفتاد

ای سلیم گول واپس‌مانده، هین
برچه و بر کاسه حلوا نشین
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۹۲

۸-مسلمان بدون چون و چرا و سؤال پرسیدن و به صورت تمام و کمال به صحبت‌های مولانا و گنج حضور گوش داده و عمل کرد

من ز فخر انبیا سر چون کشم؟ چون سر کشم خوانده می‌شود
خورده‌ام حلوا و این دم سرخوشم
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۴۹۷-

۹-مسلمان از زیرکی ذهنی پرهیز کرده و به خدمت کردن و سادگی و راستین بودن روی آورد

درگذر از فضل و از جلدی و فن
کار خدمت دارد و خلق حسن
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۵۰۰
جلدی: چابکی، چالاکی

ممنون از توجه شما
حسن از هرمزگان-